به ابوبکر بگویید برای مردم نماز بخواند.

از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که می گوید: هنگامی که بیماری رسول الله صلی الله علیه وسلم شدت یافت، به ایشان گفتند: برای نماز چه کنیم؟ فرمود: «مُرُوا أَبا بَكْرٍ فَلْيُصَلِّ بالنَّاسِ»: «به ابوبکر بگویید برای مردم نماز بخواند». عایشه رضی الله عنها عرض کرد: ابوبکر مردی نرم دل است که هنگام قرائت قرآن، گریه بر او غالب می شود. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «مُرُوهُ فَلْيُصَلِّ»: «به او بگویید: پیش نماز شود». در روایت دیگری آمده که عایشه رضی الله عنها می گوید: گفتم: اگر ابوبکر در جای شما به نماز بایستد (و برای مردم امامت دهد)، به سبب گریه نمی تواند قرائتش را به گوش مردم برساند.
[صحیح است] [متفق علیه]

زمانی که درد رسول الله صلی الله علیه وسلم شدت یافت و نمی توانست برای مردم امامت دهد، به کسانی که نزد ایشان بودند دستور داد به ابوبکر بگویند برای مردم امامت دهد؛ ابوبکر رضی الله عنه به هنگام قرائت قرآن زیاد گریه می کرد. این بود که عایشه رضی الله عنها این مساله را به عنوان عذری برای عدم امامت ایشان ذکر نمود. اما احادیث وارده در این زمینه، بیانگر این مساله است که مراد اصلی و ابتدایی عایشه رضی الله عنها در اصرار بر عدم امامت ابوبکر، گریه کردن او به هنگام قرائت قرآن نبوده است، بلکه هدف اصلی ایشان از اصرار بر این مساله آن بوده که می ترسید مردم نسبت به پدرش بدبین شوند؛ لذا خلاف آنچه در باطن داشت اظهار کرد. در روایت مسلم آمده که ام المومنین عایشه رضی الله عنها می گوید: به الله سوگند، دوست نداشتم مردم نسبت به اولین کسی که در مقام رسول الله صلی الله علیه وسلم قرار می گیرد، بدبین شوند. ایشان می گوید: دو یا سه بار برای اینکه کسی دیگر در جای ایشان قرار بگیرد به رسول الله صلی الله علیه وسلم مراجعه کردم که هر بار فرمود: «لِيُصَلِّ بِالنَّاسِ أَبُو بَكْرٍ فَإِنَّكُنَّ صَوَاحِبُ يُوسُفَ»: «باید ابوبکر برای مردم نماز بگزارد؛ و شما مانند هم نشینان یوسف هستید». منظور از اینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم به ام المومنین عایشه رضی الله عنها فرمود: «إِنَّكُنَّ صَوَاحِبُ يُوسُفَ» این است که: شما در اظهار خلاف آنچه در باطن دارید، همچون همنشینان یوسف هستید؛ هرچند این تعبیر به لفظ جمع آمده است، اما مراد از آن مفرد مخاطب می باشد که در اینجا مخاطب فقط ام المومنین عایشه رضی الله عنها است. چنانکه مراد از صواحب یوسف، فقط زلیخا می باشد چنانکه حافظ می گوید؛ و زلیخا آن وقت همسر عزیز مصر بود. وجه مشابهت بین آنها در این است که زلیخا زنان را به مهمانی دعوت کرد و از آنها پذیرایی مفصلی نمود، اما هدفش علاوه بر مهمانی این بود که زیبایی یوسف را ببینند و زلیخا را در دوست داشتن یوسف معذور بدارند. و ام المومنین عایشه رضی الله عنها چنین وانمود کرد که مراد وی از اصرار بر امام نشدن پدرش این بوده که نمازگزاران به سبب گریه ی او صدای قرائتش را نمی شنوند، اما هدف اصلی وی از مطرح کردن این مساله آن بود که مردم نسبت به او بدبین نشوند چنانکه در طرق دیگر روایت به این مساله تصریح نموده و می گوید: «اصرار من به عدم امامت پدرم تنها به این خاطر بود که فکر نمی کردم مردم به هیچ وجه کسی را که بعد از رسول الله صلی الله علیه وسلم در جا و مقام او قرار بگیرد، دوست داشته باشند».

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/4179